



The role of the education institution in social and situational prevention of cybercrime by students

Salar Sadeghi¹✉, Mohammad badali Maleki,² Taha Eslami³

Abstract

Field and Aims: Considering that the student period is an important period for education and training, and teaching law-abiding behavior, citizenship rights, and non-commitment to crime is one of the main goals of the educational system, the education institution is considered one of the most important and influential educational organizations in the field of crime prevention. Accordingly, the present study was conducted with the aim of explaining the role of the education institution in secondary prevention of cybercrimes among students.

Method: This study has been conducted using a descriptive-analytical method.

Findings and Conclusions: The education system identifies students who are at risk of cybercrime and takes measures to prevent their involvement in such crimes. These measures include preliminary assessment and identification, implementing protective measures for at-risk children in schools, monitoring the situation of at-risk children, promoting and institutionalizing a culture of proper use of cyberspace, informing about the criminality of certain acts, raising user awareness and preparedness to combat cybercrimes, educating on responsible use of virtual space, providing religious and spiritual education to prevent cybercrime, and teaching civic behavior as a means of preventing cybercrime.

Keyword: Education, Cybercrimes, Prevention, Students.

*Citation (APA): Sadeghi, S.; badali Maleki, M.; Eslami, T. (2024). The role of the education institution in social and situational prevention of cybercrime by students. *Applied criminology research*, 2(4), 43-64.

https://qacr.ir/article_717880.html?lang=en

1. Assistant Professor, Department of Law, Roshdiyeh Higher Education Institute, Tabriz, Iran. (Author). Email: salar.n1371@gmail.com

2. MA in Criminal Law and Criminology, Tabriz, Iran. Email: mmalike2018@gmail.com

3. MA in Criminal Law and Criminology, Tabriz, Iran. Email: tahaeslami1378@gmail.com



نوع مقاله: پژوهشی

Article Type: Research

doi: 10.22034/AQCR.2025.2048245.1043 qacr.ir: سامانه

نقش نهاد آموزش و پرورش در پیشگیری اجتماعی و وضعی از جرائم سایبری دانش آموزان

سالار صادقی^۱، محمد بدلی ملکی^۲، طاها اسلامی^۳

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به اینکه مقطع دانش آموزی دوره مهمی برای تعلیم و تربیت بوده و آموزش قانون مداری، حقوق شهروندی و عدم ارتکاب جرم یکی از اهداف اصلی بنیاد سیستم آموزشی است، لذا نهاد آموزش و پرورش یکی از پراهمیت ترین سازمان های تربیتی و تاثیرگذار در حوزه پیشگیری از بزهکاری محسوب می شود. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش نهاد آموزش و پرورش در پیشگیری ثانویه از جرائم سایبری دانش آموزان انجام گرفته است.

روش: پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی نگارش یافته است.

یافته ها و نتایج: نهاد آموزش و پرورش با شناسایی دانش آموزانی که مستعد بزهکاری سایبری هستند، با اتخاذ اقداماتی، به پیشگیری از بزهکاری سایبری آن ها اقدام می کند؛ که تصمیمات مذکور شامل بررسی مقدماتی و شناسایی، به کارگیری تدابیر حمایتی از کودک در معرض خطر در مدرسه و پیگیری سرنوشت کودک در معرض خطر، تبیین و نهادینه سازی فرهنگ استفاده صحیح از فضای سایبر، اعلام جرم بودن یک عمل و اطلاع رسانی نسبت به آن، آگاه سازی کاربران و آمادگی مقابله با جرائم سایبری، آموزش فرهنگ استفاده از فضای مجازی، آموزش های مذهبی و معنوی در پیشگیری از بزهکاری سایبری و آموزش رفتار مدنی در پیشگیری از بزهکاری سایبری است.

کلیدواژه ها: آموزش و پرورش، جرائم سایبری، پیشگیری، دانش آموزان.

* استناددهی (APA): صادقی، سالار؛ بدلی ملکی، محمد؛ اسلامی، طاها. (۱۴۰۳). نقش نهاد آموزش و پرورش در پیشگیری

اجتماعی و وضعی از جرائم سایبری دانش آموزان. پژوهش های جرم شناسی کاربردی، ۲(۴)، ۶۴-۴۳.

https://www.qacr.ir/article_720846.html

۱. استادیار حقوق کیفری و جرم شناسی موسسه آموزش عالی رشدیه، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: salar.n1371@gmail.com

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران. رایانامه: mmalike2018@gmail.com

۳. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. رایانامه: tahaeslami1378@gmail.com

مقدمه

سیستم آموزش و پرورش که با اسامی تعلیم و تربیت، آموزش همگانی و آموزش عمومی شناخته می‌شود، اولین راهی است که در راستای آموزش افراد برای زندگی پیمایش می‌شود؛ هدف آن باید آموزش دانش‌ها و مهارت‌هایی باشد که ارزش همگانی دارد و مورد نیاز همه افراد جامعه باشد. یادگرفتن این نوع معلومات و اکتساب این نوع مهارت‌ها باید سطح تفاهم افراد را افزایش داده و به حسن روابط اجتماعی کمک کند. لذا، نظام آموزشی نقش بسیار مهمی در تشکیل یک جامعه نرمال با افراد سالم دارد و مدارس باید دانش‌آموزان را با فعالیت‌ها و مواردی که باعث می‌شود از گرایش به بزهکاری سایبری آنان پیشگیری شود، مشغول کند و با امعان نظر به اینکه فناوری اطلاعات تحولات زیادی در روند فعالیت جامعه بشری به وجود آورده است، به نوعی که زندگی امروزی بدون استفاده از این فناوری با سختی‌های فراوانی روبرو می‌باشد. رایانه‌ها با توجه به قابلیت‌های بسیار زیاد مانند دقت بالا، سرعت زیاد، قابلیت ذخیره‌سازی حجم زیاد اطلاعات، تبادل سریع اطلاعات، دسترسی آسان و محاسن بی‌شمار دیگر، امکانات زیادی را برای بشر به وجود آورده است. از دید دیگر، با گسترش اینترنت و ظهور فضای مجازی، به دلیل ویژگی‌های خاص این فضا مانند امکان تحصیل هویت‌های گوناگون، ناشناخته و سهولت انجام اعمال مختلف، ضمن مهاجرت بسیاری از جرائم از فضای فیزیکی به فضای مجازی، موجب بروز جرائم جدیدی نیز شده است که قابل مقایسه با هیچ یک از جرائم موجود کلاسیک نبوده و چه بسا از نظر دامنه تأثیر، خطرناک‌تر باشد. توسعه فناوری‌های نوین هر روز ابعاد جدیدتری پیدا می‌کند و در حال درهم‌نوردیدن و حضور فعال در تمامی زمینه‌ها و حوزه‌های بشری است. همین گستردگی و توسعه فراگیر آن موجب شده تا بسیاری از ابعاد آن ناشناخته بوده و محل مناسبی برای مجرمان در اجرای عملیات مجرمانه آنها باشد. فضای سایبر در کنار برخورداری از مزایا و آثار مثبت فراوان، منشأ تهدیدهایی جدی برای کلیه افراد، سازمان‌ها و کشورهای جهان از توسعه یافته و غیر توسعه یافته شده است. لذا، ضروری است راهکارها و سازوکارهایی برای پیشگیری از جرائم سایبری با توجه به دامنه وسیع جرائم مرتبط با آن اندیشیده شود.

در پیشگیری اولیه، به ریشه مسئله و عوامل خطرزای محیطی توجه می‌شود. این نوع پیشگیری سعی بر آن دارد که امکان درگیر شدن با مسئله طوری پیش برود که هرگز محلی برای رشد مسئله وجود نداشته باشد. به همین علت، استراتژی‌های برنامه ضرورتاً طوری انتخاب می‌شوند که نوبت به پیشگیری ثانویه نباشد که بتوانند عوامل مخاطره‌آمیز را کاهش

دهند. وضع قوانین که بعضی از محدودیت‌ها را ایجاد می‌کنند، از آن جمله‌اند؛ برای مثال، در جامعه‌هایی که حمل اسلحه آزاد است، این آزادی خود یک عامل خطرزای امکان‌درگیرشدن با مسئله بزه است. بنابراین، منع حمل اسلحه یکی از استراتژی‌ها در آن جامعه خواهد بود؛ اما در پیشگیری ثانویه، هدف کلی، دورنگه‌داشتن فرد از فعالیت‌هایی است که خطر برچسب بزه را در فرد تقویت می‌کند؛ مثل کنترل خشم و خشونت، کنترل‌های خانواده بر رفتارهای ضداجتماعی و دوری از دوستان بزه‌کار. پیشگیری نوع دوم نیز مانند پیشگیری نوع اول استراتژی‌های برنامه‌ریزی خود را بر اساس یافته‌های پژوهش‌ها طرح می‌کند و تأکید زیادی بر فرد و یا ارتباطات فرد دارد. به همین جهت، استراتژی‌های پیشگیری نوع دوم از طریق یادگیری مهارت‌های زندگی اجتماعی از یک طرف و محیط اجتماعی و ارتباطات فردی از طرف دیگر، تأکید می‌کند. اهمیت این سطح به عنوان سطح پیشگیری کمک به افراد در معرض خطر است (شاگری، ۱۳۸۲: ۳۷).

در این میان، تدابیر پیشگیری ثانویه نقش محوری در پیشگیری از جرائم سایبری ایفا می‌کنند؛ با توجه به اینکه بیشتر فعالیت‌های آموزشی در چارچوب فضای مجازی صورت می‌گیرد و بیشترین فعالیت‌ها و تجربه‌های آموزشی دانش‌آموز و معلم حول محور آن سازماندهی می‌شود. بنابراین، با توجه به اینکه روزبه‌روز دامنه سنی استفاده از فضای مجازی پایین می‌آید و به تبع آن، احتمال بزهکاری سایبری دانش‌آموزان نیز بالا می‌رود، اهمیت آموزش‌های پیشگیرانه ثانویه از بزهکاری سایبری باید بیش‌ازپیش مورد توجه مسئولان آموزشی قرار گیرد.

در پیشگیری ثانویه، با افرادی سروکار داریم که در آستانه بیماری هستند یا شامل علائم اولیه بیماری می‌باشند و هنوز بیمار نشده‌اند یا افرادی که در آستانه خطر بیماری هستند؛ برای این افراد دارو تجویز می‌شود، ولی نه مثل پیشگیری اولیه؛ بلکه، از محیط بیماری جدا می‌شوند و یا دارو تجویز می‌شود که مبتلا نشوند. افراد در معرض خطر، کسانی هستند که در معرض بزه‌دیدگی هستند؛ مانند کودکان بی‌سرپرست، کودکان کار یا کودکانی که از منزل شخصی خود فرار کرده‌اند.

با عنایت به آنچه گفته شد، این سؤال مطرح می‌شود که آموزش و پرورش چه اقدامات و تدابیر پیشگیرانه‌ای را می‌تواند برای جلوگیری از جرائم سایبری دانش‌آموزان انجام دهد. با توجه به اینکه پیشگیری کیفی اصولاً در صلاحیت مراجع قضایی و پلیسی است، لذا این نوع پیشگیری از توان و صلاحیت نهاد آموزش و پرورش خارج بوده و این نهاد تنها می‌تواند اقدام

به پیشگیری اجتماعی و وضعی نماید و بر این اساس، در مقاله حاضر، راهکارهای اقدامات پیشگیری توسط آموزش و پرورش ذیل دو مبحث پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. اقدامات آموزش و پرورش در پیشگیری اجتماعی از بزهکاری سایبری

در پیشگیری نوع دوم، با شناسایی دانش‌آموزانی که از عوامل خانوادگی یا مشکلاتی که در مدرسه از آن‌ها رنج می‌برند و دخالت سریع‌الهنگام بحث می‌شود. بی‌تردید، وظیفه مدرسه در این نوع پیشگیری و اجرای برنامه‌های دخالت‌گر از دیگر نهادهایی که می‌توانند به کودکان در معرض خطر کمک کنند، پراهمیت‌تر است. هدف از تدابیر آموزشی - سایبری آن دسته ملزوماتی می‌باشد که در مورد کودکان و نوجوانان مورد استفاده قرار می‌گیرد که آن‌ها استنباط و استدلال شایسته‌ای در مورد تهدیدهای سایبری پیدا کنند و قواعد اخلاقی را درک کنند و در مقابل این آسیب‌ها مقاوم و مستحکم باشند. هنگامی می‌توان بیان نمود که این تدابیر با موفقیت انجام گرفته است که بتوانند کودکان و نوجوانان را مثل فضای مادی نسبت به مخاطبان خود آگاه کنند؛ رفتار و روال سایبری آن‌ها را افزایش بدهند و ایضاً، سبک و سیاق آن‌ها را دوراندیش‌تر کنند (رضوی فرد و کوره پز، ۱۳۹۴: ۹۲). کودکان و نوجوان دربار هر نوع اطلاعات دریافتی از اینترنت اعم از جرائم علیه امنیت ملی ختشی هستند؛ بر همین اساس، تمهید برنامه‌های آموزشی مؤثر خواهد بود. این تمهیدات به کودکان آموزش می‌دهد برای عدم برابری با موقعیت‌های خطرناک چه اقداماتی انجام دهند و چه کارهایی انجام ندهند؛ ایضاً، به آن‌ها مهارت‌های فکرکردن را یاد می‌دهد (جلالی فراهانی و باقری اصل، ۱۳۸۶: ۱۴۴). جدیدبودن جرائم سایبری، افزایش بزه‌دیدگان در فضای سایبر و عدم درک درست اثرات تهدیدهای سایبری لزوم تکیه بر اقدامات آموزشی را منطقی می‌کند (بهره‌مند، کوره پز و سلیمی، ۱۳۹۳: ۱۷۲). در حقیقت، این فضا، به علت عدم توانایی کنترل دقیق بر آن، به جولانگاه مجرمانی تبدیل شده که امنیت ملی کشور را به نحو مستقیم و غیرمستقیم هدف قرار داده است.

۱-۱. فرهنگ‌سازی و آموزش فرهنگ استفاده صحیح از فضای سایبر

با امعان‌نظر به این امر که پس از کشف یک پدیده جدید نیازمند آن می‌باشیم تا روش مناسب و بهینه استفاده از آن را یاد بگیریم، فضای سایبر نیز از این اصل استثنا نمی‌باشد. در این راستا، اقداماتی مورد نیاز می‌باشد تا استفاده صحیح و مطلوب از این فضا را مرسوم کند تا

استفاده‌های غیرقانونی از این فضا به استفاده‌های مفید و مطابق با اهداف اساسی و ابتدایی تبدیل شود. استفاده از وسایل اطلاع‌رسانی جهت شایع‌ساختن فرهنگ استفاده صحیح از فضای مجازی در جامعه از تدابیر مهم محسوب می‌شود. هدف از فرهنگ استفاده صحیح از فضای سایبر موضوعی بالاتر از رعایت اقدامات حفاظتی برای حفاظت از خطرات این فضا است. اساساً، این موضوع را می‌توان به معنای تثبیت‌کردن افکار و عقاید مثبت و مشروع نسبت به این فضا در جامعه دانست که می‌تواند در راستای پیشگیری از بزه‌دیدگی و بی‌اراده‌شدن در رویارویی با جرائم سایبری کمک کند که نتیجه آن، پرورش استفاده‌کنندگان مفید و مؤثر در این فضا است. در جهت رسیدن به این هدف باید از وسایل تبلیغاتی و آموزشی استفاده نمایم تا نهاد فضای سایبر را به عنوان ابزاری جهت استعانت به بشریت در راستای فعالیت‌های روزمره خود معرفی کرده و همیشه به دنبال آن باشیم که از فضای سایبر برای سهولت و تسریع در امور خود استفاده نماییم. همانا در رابطه با فرهنگ‌سازی، نهادهای آموزشی مانند آموزش و پرورش و رسانه‌ها نقش پراهمیتی را برعهده دارند و باید ضمن فرهنگ‌سازی برای استفاده صحیح از فضای سایبری، برای پیشگیری از جرائم سایبری نیز باید زمینه‌سازی و فرهنگ‌سازی کنند.

اکثر جرائم علیه امنیت در فضای سایبر را می‌توان با فرهنگ‌سازی چه در بُعد داخلی و چه در بُعد بین‌المللی ریشه‌کن نمود. در بُعد داخلی، افزایش فرهنگ قانون‌مداری، ایجاد اعتماد به ظرفیت‌های خود در افراد جامعه، حمایت از ارزش‌های اجتماعی و نیز فرهنگ پذیرش برنامه‌های پیشگیری، زمینه پیشگیری از این دسته جرائم را فراهم می‌کند؛ زیرا چنانچه مردم بدانند که برنامه‌های پیشگیری به بهبود فضای زندگی و کاهش بزه‌دیدگی منجر می‌شود، بهتر و بیشتر در برنامه‌های پیشگیری مشارکت خواهند کرد (بهره‌مند و داودی، ۱۳۹۷: ۴۳).

برای اینکه اشخاص قادر باشند اطلاعات مورد نیاز خود را شناسایی کرده، این اطلاعات را در مجموعه دانش خود وارد کنند و به شکلی مفید با رعایت اصول اخلاقی و قانونی از آن‌ها برای رسیدن به مقاصد خاص خود استفاده نمایند، لازم است تا شرایط اقتصادی، حقوقی و اجتماعی حاکم بر استفاده از آن‌ها را درک کنند. برای این منظور، باید با مفهوم ادبیات اطلاعات و رسانه آشنا شوند. از آنجا که بسیاری از والدین، مربیان و مسئولان اطلاعات زیادی راجع به ماهیت فضای مجازی، میزان خطرات این فضا و ضرورت سلامت اینترنت ندارند، از این رو در راستای حفاظت از فرزندان خود در اینترنت هیچ اقدامی به عمل نمی‌آورند (جعفری و سلیمانی، ۱۳۹۷: ۱۰۱). به همین دلیل، رسانه‌ها بایستی در این رابطه نقش برجسته

و فعالی را برعهده بگیرند. از طرفی، با توجه به گسترش و نفوذ رسانه‌ها در حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی، رسانه‌ها باید در رابطه با فرهنگ‌سازی استفاده از فضای مجازی نیز نقش فعالی ایفا کنند.

لذا، از آنجایی که آموزش و پرورش رسالتی در افزایش و تحکیم ارزش‌های فرهنگی دارد، به همین خاطر لازم است که فرهنگ به معنی اعم کلمه، مورد دقت سازمان‌های تربیتی جامعه قرار گیرد. نهاد آموزش و پرورش در یک جامعه با ایجاد تغییرات رفتاری، نوسازی جامعه مربوطه را دامن می‌زند. فرهنگ زنده در هر جامعه‌ای باید در حال نوگرایی و نوسازی باشد تا بدین وسیله یک ملت بتواند با شرایط محیطی متغیر، خود را تطبیق دهد. لازمه اقدام به نوسازی و تغییر ارزش‌های فرهنگی نیازمند تکامل و شناختن یک اجتماع است که فرد با به‌کارگرفتن تجارب خود و محصولات فکری دیگران، استعداد دگرگونی را در خود تقویت کند. وظیفه مدرسه در این مورد کاملاً مهم و سنگین است، چون باید طبقات مختلف جامعه را از نعمت آموختن دانش بهره‌مند ساخته و با فرهنگ جدید جامعه آشنا نماید (عسگریان، ۱۳۹۱: ۶۰). در این جهت، در مدارس، در برنامه‌های مختلفی فرهنگ استفاده از فضای مجازی به ویژه در تعلیمات اجتماعی و جامعه‌شناسی تدریس می‌شود. روشن است که چنین آموزش‌هایی در پیشگیری از بزهکاری سایبری نقش مؤثری دارند.

۲-۱. آگاهی‌رسانی

تعداد زیادی از کاربران اینترنت، تنها برای گذران وقت و سرگرمی، گام در فضای مجازی می‌گذارند. بسیاری از کاربران نیز به برخی از جرائم سایبری به دیده سرگرمی می‌نگرند. با توجه به بی‌هدف بودن این تعداد از کاربران، احتمال اینکه آنها به سمت ارتکاب جرائم سایبری یا وبگاه‌های غیرمجاز متمایل شوند، بسیار زیاد است. مجازی‌بودن، فقدان نمود خارجی و ملموس نبودن آثار جرم، یکی از عوامل سوق‌یافتن کاربران به ارتکاب این گونه جرائم است. لذا، با آگاه‌سازی و هشدارهای لازم نسبت به جرم‌بودن عمل و میزان مجازات اعمال ارتكابی می‌توان تا حد زیادی از ارتکاب جرائم دنیای سایبر پیشگیری نمود؛ برای نمونه، هر یک از این شبکه‌ها می‌توانند در وبگاه‌های خود بر اساس نوع خدماتی که ارائه می‌دهند، مخاطبان خود را با خطرهای و آسیب‌هایی که ممکن است متوجه آنها باشد، آشنا کنند. از سوی دیگر، با هشدارهای لازم و تبیین این موضوع که سوءاستفاده از خدماتشان با چه عواقبی مواجه می‌باشد، از بروز جرائم رایانه‌ای جلوگیری کنند (جلالی فراهانی، ۱۳۸۴: ۴۷). در ایران، به‌ویژه در سال‌های اخیر، پلیس فتا در این رابطه نقش فعالی داشته است؛ به طوری که در رابطه با

مجازات قانونی جرائم سایبری به طرق مختلف از جمله برنامه‌های مختلف در رسانه‌ها و هم‌چنین، ارسال پیام کوتاه از طرق مختلف نقش فعالی ایفا کرده است. بر این اساس، پیشگیری اطلاعاتی در خصوص جرائم امنیتی - سایبری در فضای سایبر می‌تواند تأثیر بسزایی بر پیشگیری از این جرائم داشته باشد. اطلاع‌رسانی در خصوص تهدیدات سایبری می‌تواند جنبه آموزشی و هشداردهنده داشته باشد. این وظیفه اغلب برعهده نهادهای و سازمان‌هایی است که نقش رسانه‌ای دارند. بر اساس بند ۲ اصل ۳ قانون اساسی، بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر، از وظایف اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران است. حق اطلاع‌رسانی و کسب اطلاع پیش‌تر در اسناد بین‌المللی که ایران به آنها ملحق شده است نیز به عنوان حقوق بشر مورد پذیرش قرار گرفته است؛ از جمله ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر که مقرر می‌دارد: «هر کس حق آزادی عقیده بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد». «اطلاع‌رسانی می‌تواند از طریق رسانه‌های سنتی مانند تلویزیون، رادیو روزنامه‌ها و شبکه‌های محلی در کنار اینترنت، اعلامیه‌های خدمات عمومی یا ویدئوها برای دادن اطلاعات کلی راجع به مسائل مربوط به اطلاعات مربوط به خدمات یا تغییرات جدید راهبردها و پیشرفتهای پروژه انجام شود» (جوان جعفری و سیدزاده ثانی، ۱۳۹۱: ۲۴۵).

همچنین، آگاه‌سازی و استفاده صحیح از اقدامات حساس‌سازی مردم برای پیشگیری از جرم می‌تواند به پیشگیری از جرائم سایبری کمک کند. حساس‌سازی مردم برای ایجاد فرهنگ قانون‌مداری، بحث پراهمیتی می‌باشد که با تحقق آن، بار دستگاه عدالت کیفری در موضوع پیشگیری از جرم بسیار سبک خواهد شد. به مشارکت افراد جامعه در پیشگیری از جرم، در اسناد پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد نیز توجه شده است. در برنامه‌های پیشگیری، با توجه به کثرت دلایل ایجاد جرم، مشارکت تمامی افراد و نهادهایی که در زمینه پیشگیری از جرم دارای مهارت و مسئولیت هستند، امری اجتناب‌ناپذیر است. به همین خاطر، برنامه‌های پیشگیری را نمی‌توان به یک وزارتخانه محدود ساخت و وزارتخانه‌های مختلف، مقامات، نهادهای محلی، سازمان‌های غیردولتی، تجار و شهروندان، همه و همه باید با همکاری یکدیگر برنامه‌های پیشگیری را به اجرا درآورند (جوان جعفری و سیدزاده ثانی، ۱۳۹۱: ۲۸۶). افزایش فرهنگ استفاده صحیح از رایانه و پروسه آموزش، به نوبه خود می‌تواند باعث پیشگیری از جرائم سایبری شود؛ با امعان‌نظر به اینکه جرائم سایبری در مواقع زیاد توسط گروه‌های

سازمان یافته و با طراحی و نقشه قبلی و همچنین، توسط اشخاص رقیب یا اخراج شده از سازمان‌های مزبور امکان‌پذیر می‌شود (رضوی، ۱۳۸۶: ۱۲۴). آموزش به افراد و شرکت‌های در آستانه تهدیدهای سایبری، آن‌ها را برای پیشگیری با این جرائم مجهز می‌کند. غیر از این موارد، آموزش‌های عمومی در رسانه‌های گروهی برای مقابله با ویروس‌ها و کرم‌های رایانه‌ای نیز بسیار مؤثر می‌باشد؛ زیرا چنانچه به سرعت، مقابله عمومی با این ویروس‌های رایانه‌ای صورت پذیرد، هزینه‌های پیشگیری از این جرائم به مراتب کاهش می‌یابد (بهره‌مند و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۸).

در عصری که با افزایش دیجیتالی‌شدن مشخص شده است، نیاز به آموزش امنیت سایبری در مدارس حیاتی شده است. آگاهی از امنیت سایبری به درک افراد در مورد حفاظت از سیستم‌ها و داده‌های دیجیتال، از جمله شناسایی تهدیدها، درک خطرات مرتبط و اتخاذ شیوه‌های ایمن اشاره دارد. چشم‌انداز فعلی نشان می‌دهد که دانش‌آموزان اغلب دانش کافی در مورد ایمنی آنلاین ندارند و آن‌ها را در برابر تهدیدات سایبری مانند هک و سرقت هویت آسیب‌پذیر می‌کند. در نتیجه، برای مؤسسات آموزشی ضروری است که آموزش‌های جامع امنیت سایبری را در برنامه‌های درسی خود بگنجانند تا دانش‌آموزان را در برابر این خطرات آماده کنند (Radulović, & Krstić 2018: 162). برای رسیدگی مؤثر به جرائم سایبری، مدارس باید برنامه‌های درسی ایجاد کنند که ذهنیت امنیت سایبری را در بین دانش‌آموزان تقویت کند. برنامه‌هایی مانند دستورالعمل‌های برنامه درسی امنیت سایبری دبیرستان انگلستان (NCMF) با هدف الهام‌بخشیدن به دانش‌آموزان برای دنبال‌کردن مشاغل در امنیت سایبری و توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی قابل‌اجرا در هر حرفه‌ای انجام می‌شود و علاوه بر این، سازمان‌هایی مانند Teach Cyber (سازمان آموزشی است که در بریتانیا و در سطح جهانی به آموزش امنیت سایبری و مهارت‌های دیجیتال اختصاص یافته است. هدف این سازمان، فراهم‌کردن منابع و برنامه‌های آموزشی برای معلمان و دانش‌آموزان است تا درک بهتری از موضوعات امنیت سایبری و فناوری اطلاعات پیدا کنند). مطالب دارای مجوز مشترک خلاقانه را برای کمک به مربیان در آموزش مؤثر مفاهیم امنیت سایبری ارائه می‌کنند (Ngo, Deryol, Turnbull, Drobisz, 2024: 2).

۳-۱. آموزش‌های مدنی و معنوی

وظیفه آموزش و پرورش علاوه بر تربیت سیاسی در برخورد با فضای سایبر، یعنی کسی که بتواند رابطه خودش را با دولت در عرصه مجازی به درستی تنظیم کند، شامل تربیت شهروند

مدنی نیز در فضای سایبر می‌باشد. اگر آموزش و پرورش کشورهای پیشرفته را مورد توجه قرار دهیم، به مدت ۹ سال، یعنی از کلاس اول تا نهم، هدف اصلی، پرورش فرد مدنی هم در عرصه زندگی دنیای واقعی و هم مجازی است؛ یعنی فرد حقوق خود و حقوق دیگران را بشناسد و مهارت‌های یک زندگی مدنی را یاد بگیرد. رفتار مدنی از نوع رفتارهای عقلانی است که معطوف به ارزش‌های انسانی است. فرد در این چارچوب کارهایش را به خاطر یکسری ارزش‌ها انجام می‌دهد: احترام به برابری، برادری، نوع دوستی، دیگر دوستی، ایثار و گذشت. برخلاف تصور رایج در عرصه عمومی کشورمان، جامعه مدرن فقط جامعه‌ای صرفاً سودجویانه که در آن، رفتار مبتنی بر عقلانیت سودمحورانه و ابزاری غلبه دارد، نبوده و در مغرب زمین، رفتار مدنی بخشی از محتوای زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهد؛ رفتاری که ریشه در گذشت، احترام به دیگری و دلسوزی برای رفع رنج دیگران دارد. بنابراین، باید آموزش رفتار مدنی به دانش‌آموزان در مدرسه مد نظر مسئولان آموزشی قرار گیرد. در واقع، رفتار مدنی دارای دو بُعد اساسی است: اولاً، بُعد فردی، یعنی ما با فردی روبه‌رو هستیم که این فرد دارای حقوقی است (مثل حق مالکیت یا حق تعیین سرنوشت، حق آزادی اندیشه و بیان) و از طرف دیگر، بُعد اجتماعی، یعنی فرد در برابر دیگران وظایفی نیز دارد (مثلاً، نباید حقوق دیگران را پایمال کند). و معیار آن، رعایت قانون است. از این رو، به چنین رفتار آزادانه و ضابطه‌مندی در جامعه، رفتار مدنی می‌گویند. متأسفانه، در کشور ما، مبنای آموزش و پرورش این نیست که فرد بفهمد چه حقوقی و چه وظایفی دارد و چه توانایی‌های بنیادی را برای زندگی در عرصه عمومی و خصوصی باید کسب کند؛ در واقع، ایرانی‌ها در زندگی روزمره یاد می‌گیرند که چطور از قانون و ضابطه «فرار کنند» و چطور مدنی نباشند (جلایی پور، ۱۳۹۷: ۱۲).

شاید در نگاه اول، این‌طور به نظر برسد که آموزه‌های مذهبی جایگاهی در پیشگیری از بزهکاری سایبری ندارد؛ اما این‌گونه نمی‌باشد. در واقع، بزهکاری سایبری برای مثال، سرقت سایبری شکل تغییر یافته سرقت مذمت شده در آموزه‌های مذهبی است. در حقیقت، توجه به آموزش‌های مذهبی و معنوی مختص جوامع مذهبی نبوده و جوامع غربی اروپایی نیز درک نموده‌اند که تنها راه حل نجات از بحران‌های اجتماعی، توجه به آموزش‌های مذهبی و گسترش معنویت در جامعه می‌باشد. روبرت سارلو می‌گوید: «آموزش و پرورش نهادی است که هدف آن در جهان امروزی نه تنها فرهنگ سازی و خدمت به نظام جهانی نیست، بلکه مهار انسان و سوق دادن او به نیروهای بی‌روح ماده‌پرستی است و همان‌طور که می‌دانیم، روند

آموزش و پرورش از دوره دبیرستان تا فارغ التحصیلی، در جهت ویران سازی روح دانش آموزان می باشد.» از نظر وی، تفکر مذهبی و یا عبادت که اصیل ترین شکل آموزش و خرد روح است، به ندرت در آموزش و پرورش ترغیب می شود و به جای آن، به افراد می آموزند که چگونه پاسخ صحیح یک مسئله را بیابند و یا چگونه به حل کردن مسائل درسی بپردازند. آموزش و پرورش ایران در آموزش های مذهبی موفق بوده و دروس مختلفی به آموزش های مذهبی اختصاص داده شده است؛ که مذمت روابط غیراخلاقی، سرقت و... بدون شک در پیشگیری از شکل تغییر یافته این جرائم در فضای سایبر نیز مفید خواهد بود.

۴-۱. تشکیل گروه های پیشگیری مدرسه محور

همکاری بین مدارس و خانواده ها در تقویت آگاهی امنیت سایبری بسیار مهم است. مریان تشویق می شوند تا نگرانی های خود را در مورد رفتار آنلاین دانش آموزان با دانش آموزان و والدین آنها در میان بگذارند و پیامدهای قانونی و پیامدهای جرائم سایبری را برجسته کنند. ارتقاء آگاهی در سطح جامعه می تواند یک سیستم پشتیبانی برای دانش آموزان ایجاد کند و آنها را قادر می سازد تا با خیال راحت در محیط های دیجیتال حرکت کنند (Lwin, Stanaland, & Miyazaki, 2008: 207).

این گونه گروه ها مجموعه ای داوطلبانه از مدیران یا معاونان، مدرسه، معلمان، دانش آموزان و اولیا است که در هر چند مدرسه یک گروه تشکیل می شود. این گروه ها به شناسایی عوامل مخاطره آمیز در مدرسه یا مربوطه اقدام می کنند. بعداً، با اولویت بندی از میان عوامل یادشده، یک یا چند مورد را انتخاب و با دعوت از کارشناسان و متخصصان مربوطه، به اطلاع رسانی و آموزش های لازم در مورد آسیب های بیان شده می پردازند؛ از جمله این گروه ها می توانند با برگزاری نشست ها و جلسات با دانش آموزان، در مورد عوامل خطر آگاهی رسانی کنند؛ به ویژه در خصوص مواد مخدر، با توصیف دیدگاه های منفی در مورد این مواد، به پیشگیری از گرایش به مواد مخدر کمک کنند. یکی از مشهورترین روش های آموزش در خصوص مواد مخدر، ارائه اطلاعات به دانش آموزان و توصیف نقاط منفی این مواد و ایجاد نوعی ترس از مواد در دانش آموزان است. گروه های مدرسه محور می توانند با کمک گرفتن از کارشناسان در این زمینه به دانش آموزان کمک کنند.

۵-۱. افزایش راهکارهای مشاوره‌ای در مدارس

استفاده از راهکارهای مشاوره‌ای در رابطه با دانش‌آموزان و بزه‌دیدگان سایبری در مدارس بسیار مهم می‌باشد. راهنمایی در سطح مدرسه به رشد همه‌جانبه قابلیت‌ها و توانایی‌های دانش‌آموزان که در فرآیند رشد با آن مواجه هستند، کمک می‌رساند. مشاوره و استفاده از روش‌هایی که نقش بزرگی در پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال دارد، تلاش می‌کند با شناخت نیازهای فردی و اجتماعی دانش‌آموزان، آنان را در جهت رشد مهارت‌هایی که لازمه عملکرد مؤثر در مدرسه و اجتماع پیچیده و تکنولوژیک امروزی است، کمک کند. استفاده از روش‌های مشاوره‌ای در جرائم سایبری باعث می‌شود که کودک با شناخت چستی جرائم رایانه‌ای هرچند به صورت سطحی، خود را به عنوان هدف شوم بزهکاران قرار ندهد. تأسیس مراکز مشاوره‌ای می‌تواند از سوی بخش‌های مختلف یک کشور مثل نظام آموزش و پرورش، پلیس و دستگاه قضایی باشد. به دلیل پیوند عمیق کودک با مدرسه، بهتر است که آموزش و ایجاد مراکز مشاوره به صورت اجباری در دستور کار قرار گیرد. ضرورت این موضوع از آن جهت است که ممکن است کودکی در معرض بزه‌دیدگی قرار داشته باشد و موضوع را با والدین خود یا معلم مطرح سازد، اما به دلایل مختلف از جمله جهل والدین یا مربی آموزشی به موضوع، پاسخ قانع‌کننده دریافت نکند. بنابراین، ایجاد مراکز حرفه‌ای مشاوره در مدارس به صورت اجباری می‌تواند راهکار مؤثری تلقی گردد. بعضی دبیران می‌توانند برای هر مبحث درسی فهرستی از سایت‌های مجاز و مناسب تهیه کرده و از دانش‌آموزان بخواهند در مهلت داده‌شده، به تمامی آنها مراجعه کرده و مطالب درسی مربوطه را مطالعه و استخراج کنند. این امر باعث آموزش استفاده صحیح از اینترنت در قالب یک عمل الزام‌آور می‌شود. همچنین، به دلیل محدودبودن زمان مراجعه، دانش‌آموزان فرصت پرداختن به محتواهای نامناسب را نخواهند داشت. همچنین، از سوی دیگر، ارائه واحدهای درسی اجباری در قالب کلاس‌های بدون نمره که هدف آن صرفاً آموزش تلقی شود نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

۶-۱. آموزش مهارت‌های امتناعی

ایجاد حساسیت در کودک در حد معقول از طریق آموزش مهارت‌های امتناعی، وی را از بسیاری از خطرات و تهدیدات بالقوه مصون می‌دارد. در حوزه سایبری، نظارت والدین و سرپرستان کودک برای مانع‌شدن وی در دسترسی به سایت‌ها و وبلاگ‌ها و شبکه‌های رایانه‌ای گسترده و متعدد کاری است غیرممکن؛ بنابراین، نمی‌توان در همه موارد مانع ورود کودک به برخی از این شبکه‌ها شد. از این رو، می‌توان گفت به صورت بالقوه، کودک در معرض

بزه‌دیدگی قرار دارد. از طرفی، ورود وی به برخی از شبکه‌ها به صورت ارادی و آگاهانه صورت می‌گیرد و از سوی دیگر، ممکن است به طور ناخواسته با برخی مطالب و تصاویر مواجه شود. آموزش به کودک می‌تواند از طرق گوناگون باشد. در واقع، یکی از مهمترین موارد آموزش، به ادبیات رسانه مربوط می‌شود. بر اساس نتایج تحقیقات انجام شده، بیشتر مربیان و مسئولین کتابخانه‌ها بر نیاز به ادبیات رسانه و اطلاعات تاکید کرده‌اند. به عقیده آنان، نوجوانان یعنی دانش‌آموزان، هیچ نظری درباره اطلاعات دریافتی از اینترنت ندارند. از این رو، برای آنها باید دوره‌های آموزشی مهارت‌افزایی مربوط به ادبیات اطلاعات و رسانه را برگزار کرد.

گنجاندن برنامه درسی شهروندی دیجیتال برای تجهیز دانش‌آموزان به دانش و مهارت‌ها به منظور هدایت مسئولانه و اخلاقی در دنیای آنلاین بسیار مهم است؛ از جمله این موارد همچون رفتار آنلاین مسئولانه: دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که چگونه از اطلاعات شخصی خود محافظت کنند، خطرات آنلاین مانند آزار و اذیت سایبری و فیشینگ را تشخیص دهند و رد پای دیجیتالی خود را مدیریت کنند. مهارت‌های تفکر انتقادی: آموزش در این زمینه به دانش‌آموزان کمک می‌کند قابلیت اطمینان منابع را ارزیابی کنند، محتوا را با دقت تجزیه و تحلیل کنند و اطلاعات نادرست آنلاین را شناسایی کنند؛ که از طریق این طرح‌ها و موارد مشابه، دانش‌آموزان می‌توانند در محافظت از خود در برابر تهدیدات سایبری فعال شوند (Eden, Chisom, & Adeniyi, 2024: 689)؛ به عنوان نمونه، برنامه‌ها و ابتکاراتی در این خصوص در کشور آمریکا وجود دارد که به دانش‌آموزان در مورد ایمنی دیجیتال آموزش می‌دهند و به آنها قدرت می‌دهند تا با مسئولیت‌پذیری در دنیای آنلاین حرکت کنند. با ارائه آموزش مبتنی بر شواهد در مورد ایمنی اینترنت، دانش‌آموزان می‌توانند بهتر از خود در برابر تهدیدات آنلاین بالقوه محافظت کنند. مدارس می‌توانند برنامه‌هایی را اجرا می‌کنند، پیشرفت‌های قابل توجهی را در آمادگی دانش‌آموزان برای رویارویی با خطرات اینترنتی گزارش می‌دهند (Eden, Chisom, & Adeniyi, 2024:235)

می‌توان با آموزش کودکان از طریق ادبیات نسبت به برخی از واژه‌ها، آنها را آگاه ساخت. عبارات متضمن معانی خشونت، سکس، ترویج فساد و فحشاء و بی‌بندوباری برای کودک خطرناک محسوب می‌شوند. چنانچه ذکر شد، مواجهه کودک با بسیاری از این مطالب به طور ناخواسته است؛ برای مثال، آگهی‌های تبلیغاتی که امروزه، به صورت اتفاقی بر شبکه وبلاگ‌ها ظاهر می‌شوند، در غرب بعضاً، متضمن اطلاعاتی در مورد فواحش هستند. آموزش مسائل

جنسی از طریق سی‌دی و کاتالوگ نیز مرسوم است که در کشور خودمان نیز وجود دارد. در مجموع، آموزش‌های امتناعی تا حدودی می‌تواند مانع آگاهی کودک از دسترسی به این گونه محتواها شود.

۷-۱. ایجاد سازگاری دانش‌آموزان با شرایط جامعه و فضای مجازی

یکی از اشکال سازگاری اجتماعی، تقلید است و در زندگی تمام افراد و به ویژه، نوجوانان و جوانان معمول است. چنان‌که می‌دانیم، آشنایی نوجوانان با فرهنگ جامعه، در سنین اولیه، از راه تقلید از بزرگترها صورت می‌گیرد. تقلید ممکن است اجباری باشد و گاهی با آگاهی کم همراه گردد. بدون تردید، قسمتی از امور زندگی را باید از راه تقلید بیاموزیم و اگر افراد بخواهند همه امور را از راه آزمون و خطا یاد بگیرند، قسمت عمده‌ای از عمرشان صرف یادگیری اموری می‌شود که فراگرفتن آن‌ها از راه تقلید نیز اشکال ندارد (احمدپور، ۱۳۸۸: ۴۱). از نظر تربیتی، سازگاری اجتماعی تا اندازه‌ای ضروری است. کودک در مدرسه، خانه و سایر موقعیت‌هایی که قهر با آنها روبروست، با آداب و رسوم، قوانین و معیارهای معینی مواجه می‌شود. بسیاری از این موارد برای ادامه زندگی فرد سودمند و ضروری هستند و تا فرد از آنها پیروی نکند، نمی‌تواند با دیگران روابط رضایت‌آمیزی برقرار کند؛ ولی برخی از این اقدامات از جمله تقلید تماشای فیلم غیراخلاقی یا رابطه غیراخلاقی و خارج از عرف از دوستان سبب گرایش به بزهکاری سایبری می‌شوند. لذا، معلم در مدرسه سعی می‌کند بچه‌ها هنجارها را از ناهنجاری‌ها در زندگی روزمره و فضای مجازی یاد بگیرند.

بنابراین، یکی از اقدامات مهم مدرسه، سازگار کردن کودکان با جامعه و دادن درک صحیح از فرهنگ صحیح استفاده از فضای مجازی و معیارهای مفید به ایشان باشد تا اهمیت آن‌ها را احساس کرده و در وفق دادن رفتار خود با آن‌ها بکوشند. در فرایند سازگاری اجتماعی نباید انتظار داشت که فرد حالت پذیرندگی و انفعالی داشته باشد و باید در فرایند سازگاری فرد با محیط، خصوصیات فردی شخص نابود نگردد و فرد حالت استقلالی خود را حفظ کند؛ اهداف برشمرده‌شده جزء مهمترین اهداف مدارس در جامعه می‌باشند.

از طرف دیگر، آموزش باید طوری منعطف باشد که بتواند با نیازهای جوامع و جمعیت‌های متحول سازگار باشد و پاسخگوی نیازهای دانش‌آموزان در شرایط گوناگون اجتماعی و فرهنگی آنان باشد. اگر مدرسه و محیط آموزشی و معلمان وظایف خود را درست انجام بدهند، نه تنها زمینه جهت‌گیری مثبت در طفل فراهم می‌شود، بلکه آثار منفی محیط خانوادگی و همسالان نیز خنثی و بلااثر می‌شود. مدرسه مثل یک واحد کنترل اجتماعی

می‌تواند با تکیه بر اصل تشویق و تنبیه، به دانش‌آموزان یاد بدهد تا با استفاده از استعداد های خود در یک رقابت سالم و سازنده، وظایف آموزشی را به نحو احسن انجام دهند تا ضمن کسب مدارج پیشرفت، امتیازات اجتماعی و خانوادگی تحصیل نمایند. پروسه چنین موضوعی، نظم‌پذیری و اجتماعی شدن تدریجی و در نهایت، تکامل و تکوین شخصیت فردی و اجتماعی نوجوانان خواهد بود. پژوهش‌ها حاکی از این است اکثریت کودکان بزهکار از نظر تحصیلی با مشکلاتی نظیر بی‌سوادی یا سواد در حد ابتدایی و راهنمایی مواجه هستند و به ندرت، دبیرستان را به پایان رساندند (محمدی، بیژنی میرزا و حاتمی، ۱۳۹۷: ۲۴۵).

۲. اقدامات نهاد آموزش و پرورش در پیشگیری وضعی از بزهکاری سایبری

در پیشگیری وضعی از طریق مدیریت محیط و سخت و دشوار کردن آماج جرم، اقدام به پیشگیری از جرم می‌گردد که در ادامه، به نقش آموزش و پرورش در این راستا اشاره می‌شود.

۲-۱. به‌کارگیری تدابیر حمایتی از کودک در معرض خطر در مدرسه

در مواقعی که نهاد خاصی مسئول حل مشکلات دانش‌آموز نباشد، مدرسه خود با کمک‌گرفتن از کارشناسان و متخصصان در زمینه مورد نظر به دانش‌آموز کمک کند. ایضاً، مدرسه می‌تواند با اتخاذ تصمیماتی، از دانش‌آموزانی که در آستانه خطر هستند، به صورت ویژه‌ای حمایت کند. در همین جهت، اداره کل امور تربیتی و مشاوره وزارت آموزش و پرورش دستورالعمل طرح توانمندسازی تحصیلی و روانی- رفتاری دانش‌آموزان پایه اول متوسطه را تنظیم و به مدارس ابلاغ کرده است. مقدمه این دستورالعمل در توجیه این مقرر اعلام می‌دارد که: «افزایش چشمگیر آسیب‌های روانی- اجتماعی از قبیل خودکشی، فرار از خانه، بزهکاری، ترک تحصیل، افت تحصیلی، افسردگی، اضطراب و ضرورت مصون‌سازی دانش‌آموزان آسیب‌پذیر در برابر این گونه مشکلات و مقابله با آنها را جدی می‌سازد. به عبارت دیگر، ایجاد شرایط مناسب جهت ارتقاء بهداشت روان و توانمندسازی دانش‌آموزان در برابر مشکلات مذکور از رسالت‌های آموزش و پرورش محسوب می‌شود. بر اساس این رویکرد، مدارس بهترین و مناسب‌ترین مکان برای اجرای برنامه‌های پیشگیرانه به شمار می‌رود. متأسفانه، به دلایل متعدد از جمله کمبود منابع کافی، اجرای برنامه‌های پیشگیرانه در مدارس کشور با مشکلاتی مواجه می‌باشد؛ زیرا این گونه برنامه‌ها عموماً هزینه‌بر هستند و چون پیامدهای آن در بلندمدت ظاهر می‌شود، بسیاری از افراد آمادگی اجرای این نوع برنامه‌ها را ندارند. طراحی و تدوین یک برنامه جامع پیشگیری مستلزم شناخت درست وضع موجود، و اتخاذ استراتژی مناسب بر

اساس مشکلات حاضر و هماهنگی سایر دستگاه‌ها و نهادهای اجتماعی با آموزش و پرورش در این راستا می‌باشد.» ظاهراً، اداره مربوطه با تهیه این دستورالعمل، به این نیاز جامه عمل پوشانده است و اهداف زیر را دنبال می‌کند: آسیب‌شناسی مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان و برنامه‌ریزی در جهت حل آن؛ افزایش سطح سلامت روانی دانش‌آموزان خانواده و کارکنان مدارس؛ کاهش میزان شیوع آسیب‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان؛ ایجاد تغییرات مثبت در دانش، نگرش و رفتار دانش‌آموزان نسبت به مدرسه و تحصیل؛ بهبود بخشیدن به وضعیت تحصیلی و درسی دانش‌آموزان از طریق افزایش سطح سلامت روان. این برنامه علاوه بر اجرای برخی از مهارت‌های زندگی که در برنامه مهارت‌های زندگی برای کلیه دانش‌آموزان مقطع راهنمایی تحصیلی پیش‌بینی شده است، به آموزش مهارت‌های تحصیلی در مدارس که از بین کلیه مناطق آموزشی استان از فراوانی مشکلات تحصیلی و روانی - رفتاری بیشتری نسبت به جمعیت دانش‌آموزی در پایه اول دوره متوسطه برخوردار هستند نیز مبادرت کند. تمرکز حواس، افت تحصیلی، برنامه‌ریزی تحصیلی، روش‌های ایجاد انگیزه، مدیریت زمان و روش‌های مطالعه نوعی از برنامه‌های موفق پیشگیری دومین را در برنامه زیر می‌توان دنبال کرد. این برنامه به نام برنامه خلاقانه حل تعارضات در مدارس ایالات متحده آمریکا در خصوص دانش‌آموزانی که از خود نوعی خشونت بروز داده‌اند، اجرا شده است. یکی از فرضیه‌های این برنامه بر این پایه استوار است که بروز خشونت از سوی دانش‌آموز یا حالت پرخاشگرانه دانش‌آموز نشانگر وضعیت خطرناکی است که نهادینه‌شدن خشونت در دانش‌آموز را هشدار می‌دهد. طراحان برنامه معتقدند که دانش‌آموزان یک محیط امن دارند که در این محیط به دنبال راه‌های مسالمت‌آمیز حل تعارضات هستند. فرض اصلی تحقیق این بود که دانش‌آموزانی که درگیر خشونت هستند، نمی‌دانند چگونه تعارضات را در زندگی خود مدیریت کنند؛ از این رو، آموزش تعارضات مهم است (صالحی، ۱۳۹۱: ۱۹۹). گزارش وضعیت‌های مخاطره‌آمیز مهم است. مدرسه بعد از احراز وضعیت خطر باید نسبت به گزارش به افراد ذی‌ربط اقدام کند. این افراد می‌تواند شامل خانواده دانش‌آموز، نهادهای حمایتی دولتی، انجمن اولیا و مربیان یا شورای مدرسه باشند. در برخی از کشورها، گزارش‌دهی در خصوص وضعیت سلامت مدرسه به عنوان یکی از تکالیف مدیران مدارس پیش‌بینی شده است. به عنوان نمونه، در قانون ایالت ویرجینیا، یکی از ایالات آمریکا، مقرر شده است که وضعیت سلامت مدرسه از جنبه‌های گوناگون از جمله جرائم ارتكابی در مدارس هر سه سال یکبار بررسی شود و گزارش آن در اختیار عموم قرار گیرد (همان: ۱۹۷).

- شایان ذکر است در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، به وظایف آموزش و پرورش در راستای حمایت از دانش‌آموزان اشاره شده است. بند چ ماده ۶ این قانون مقرر داشته است که وزارت آموزش و پرورش مکلف است اقدامات زیر را انجام دهد:
- ۱- اعلام موارد عدم ثبت نام و موارد مشکوک به ترک تحصیل اطفال و نوجوانان تا پایان دوره متوسطه به سازمان بهزیستی کشور و یا دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضائیه حسب مورد جهت انجام اقدامات لازم؛
 - ۲- شناسایی، راهنمایی و معرفی اطفال و نوجوانان موضوع این قانون به نهادهای حمایتی و قضائی جهت انجام اقدامات حمایتی لازم؛
 - ۳- انجام اقدامات لازم جهت ثبت نام و پوشش تحصیلی کامل اطفال و نوجوانان موضوع این قانون تا پایان دوره متوسطه؛
 - ۴- آموزش مدیران و کارکنان آموزشی و اداری در زمینه حقوق اطفال و نوجوانان.

۲-۲. نظارت مدرسه بر دانش‌آموزان

نظارت اولیای مدرسه به خصوص مدیر، ناظم و معلمان بر رفتارهای دانش‌آموزان موضوعی بسیار مهمی است. این نظارت ممکن است با وضع قواعد و مقررات سخت‌گیرانه‌ای همراه باشد که این نوع برخورد بنا بر تحقیقاتی که انجام شده است، اثر مستقیمی با گرایش دانش‌آموزان به بزهکاری، به ویژه تخریب اموال مدرسه، دارد. از سوی دیگر، سهل‌انگاری و مساعدت کردن نسبت به رفتار دانش‌آموزان از سوی افراد یادشده نیز فرصت و زمینه بزهکاری را فراهم می‌کند. در یک پژوهش اثبات شده است که عدم نظارت منتهی به ۱۵ درصد تکرار جرم از سوی دانش‌آموزان شده است. در حالی که هر چه ارتباط معلمان با دانش‌آموزان صمیمانه‌تر باشد و دانش‌آموز احساس بهتری با معلمان و اولیای مدرسه داشته باشد، احتمال کج‌روی و بزهکاری او کمتر است.

همچنین، در صورتی که موضوع به اشخاص یا نهادهای ذی‌ربط گزارش شود، تکلیف از مدرسه ساقط نشده است. مدرسه بایستی از روند درمان و کمک به دانش‌آموز در معرض خطر اطمینان یابد. در این صورت، مدرسه به نوعی نظارت بر اجرای تدابیر حمایتی از دانش‌آموزان در معرض خطر را عهده‌دار می‌شود. در همین راستا، مدرسه بایستی موفقیت یا شکست این برنامه‌ها را بررسی کند و به مراجع مربوطه اعلام دارد.

۳-۲. برهم‌زدن معادله جرم در فضای سایبری با افزایش خطرات ارتکاب جرم

روشن است در پیشگیری وضعی، به‌انصراف‌رسانیدن فرد مصمم به بزهکاری در اولویت قرار می‌گیرد؛ بر این ابتناء، بررسی عامل‌های وضعی - فنی بزهکاری، یعنی وضعیت‌های پیش‌جنایی و نیز عوامل خطر جرم موجود نزد بزهکار که زمینه تحقق و فرصت‌های ارتکاب جرم و تکرار جرم را آسان‌تر می‌کند، از اهمیت بسزایی برخوردار است (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۸: ۷۳۰). کلارک و کرنیش پنج راهبرد اصلی را برای پیشگیری وضعی از جرائم پیشنهاد کردند که هر کدام از آن راهبردها به پنج راهکار تقسیم می‌شوند که در مجموع، بیست و پنج راهکار پیشگیری وضعی را تشکیل می‌دهند. پنج راهکار اصلی عبارتند از دشواری ارتکاب جرم، افزایش خطر جرم، کاهش منافع، کاهش تحریک‌پذیری و حذف بهانه‌ها. تمام راهکارهای مذکور قابلیت اجرا در محیط سایبری را ندارند؛ دلیل آن، اختصاص بعضی از تکنیکها به محیط حقیقی و عدم قابلیت تحقق در فضای مجازی می‌باشد؛ از این رو، امکان وجود در قوانین دادرسی الکترونیکی و آیین دادرسی جرائم رایانه‌ای را نیز نخواهند داشت. در این تحقیق تنها مورد دوم، یعنی تکنیک افزایش خطر ارتکاب جرم در قوانین مذکور، بررسی خواهد شد و موارد دیگر نیازمند بررسی جداگانه است. لازم به ذکر است بعضی از مواد قوانین مذکور دارای چند تکنیک پیشگیری وضعی به صورت همزمان هستند که ممکن است در برخی موارد مشابهت‌هایی با یکدیگر داشته باشند (رضوی اصل و دارابی، ۱۳۹۶: ۳۷۴). در حقیقت، این راهکار با زیادکردن خطرات و ضرر افزایش ارتکاب جرائم سایبری نسبت به منافع حاصل از آن سبب انصراف از ارتکاب جرائم سایبری می‌شود.

۴-۲. انگیزه‌زدایی از مرتکبان جرائم سایبری

از بین بردن جاذبه (جاذبه‌زدایی) نیز یکی دیگر از روش‌های پیشگیری از وضعی از جرم است، بسیاری از راهبردها و شیوه‌های پیشگیری با هدف ناتوان‌سازی مجرمان و برخی از آن‌ها منحصراً، با هدف منصرف‌نمودن مجرمان و جلوگیری از پیدایش و تشدید انگیزه و وسوسه‌های مجرمانه به کار گرفته می‌شوند. با لایروبی خطر شناسایی و دستگیری بزهکار، کاهش جاذبه‌های وسوسه‌انگیز و تحریک‌کننده محیطی از جمله مواردی هستند که با هدف انگیزه‌زدایی و منصرف‌نمودن مجرمان بالقوه از ارتکاب جرم صورت می‌گیرد. حذف معاذیر یا از بین بردن عواملی که باعث تحریک یا تشویق فرد به ارتکاب جرم می‌شود و در برخی موارد می‌تواند به عنوان عذری مطرح گردد (نجیبیان، ۱۳۸۸: ۶۱). با قانونمند کردن فضای سایبری و انسجام در شناسایی و مجازات افرادی که مرتکب جرائم سایبری شده‌اند و همچنین، اقداماتی

مانند هشدار به مجرمین احتمالی در رابطه با تبعات قانونی و... می‌توان از جرائم سایبری پیشگیری کرد.

یک رویکرد لایه‌ای به امنیت سایبری برای مناطق مدرسه برای محافظت از دانش‌آموزان در برابر تهدیدات آنلاین ضروری است. این امر شامل پیاده‌سازی ابزارهایی است که به طور خاص برای آموزش طراحی شده‌اند تا دسترسی ایمن به فناوری را تضمین کنند و در عین حال، سهولت استفاده را نیز ارتقا دهند. همانند همگام‌سازی خودکار داده‌های دانش‌آموز در پلتفرم‌های مختلف، این ابزار حریم خصوصی و یکپارچگی داده‌ها را افزایش می‌دهد و احتمال خطای انسانی را به حداقل می‌رساند (Ko, Lee, & Kim, 2013: 428).

بحث و نتیجه‌گیری

مدرسه نقش مهم و محوری در تربیت دانش‌آموزان و پیشگیری از بزهکاری آنان دارد و پرورش افراد، آموزش قانون‌مداری، رعایت حقوق افراد، تشویق دانش‌آموزان برای عدم ارتکاب بزهکاری و به‌ویژه، پیشگیری ثانویه از بزهکاری از جمله وظایف مهم دیگر نظام آموزشی است. یکی از جرائم نوظهور که در چند دهه گذشته مطرح شده، بحث جرائم سایبری است. می‌توان گفت جرائم سایبری امروزه، طیف وسیعی از جرائم را دربرمی‌گیرند که آثار منفی و زیانبار آن‌ها از جرائم سنتی بیشتر است و به نوعی، حتی مقدمه ارتکاب جرائم سنتی را نیز فراهم می‌آورند و با توجه به این مسئله، پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش نهاد آموزش و پرورش در پیشگیری ثانویه از بزهکاری سایبری دانش‌آموزان انجام گرفت. پیشگیری ثانویه مجموعه اقداماتی در جهت کنترل افرادی است که در معرض بزهکاری و ارتکاب آن قرار دارند. در حقیقت، در این پیشگیری، با شناسایی دانش‌آموزانی که بالقوه استعداد و توانایی ارتکاب جرائم سایبری را دارند و انجام اقداماتی در جهت پیشگیری از بالفعل شدن استعداد و توانایی مذکور، هدف آن است که با به‌کارگیری تدابیر مناسب در مواقع زود هنگام، از وقوع جرم افرادی که در شرایط بحرانی به‌سرمی‌برند و احتمال بزهکاری از سوی آنان وجود دارد، پیشگیری گردد. پیشگیری ثانویه دارای تدابیر مختلفی مانند دورنگه‌داشتن فرد از شرایط و محیط جرم‌زا، مداخله و بازدارندگی مؤثر، فرهنگ‌سازی، آگاه‌سازی و آموزش و... است.

بر اساس نتایج تحقیق، جامعه‌پذیری دانش‌آموزان برای جلوگیری از ارتکاب جرم برعهده مدرسه است و در حقیقت، بعد از خانواده، مدرسه دومین و مهم‌ترین نهادی است که باید در پیشگیری از بزهکاری دانش‌آموزان نقش ایفا کند. آموزش و پرورش می‌تواند از طریق راهکارهای مرتبط با پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی، اقدام به پیشگیری از بزهکاری

نوجوانان در فضای سایبر نمایند. فرهنگ‌سازی، آگاهی‌رسانی، آموزش‌های مدنی و معنوی، تشکیل گروه‌های پیشگیری مدرسه‌محور، افزایش راهکارهای مشاوره‌ای در مدارس، آموزش مهارت‌های امنیتی و ایجاد سازگاری با محیط از راهکارهای مهم پیشگیری اجتماعی است که مدرس می‌تواند آنها را انجام دهد. همچنین، در حوزه پیشگیری وضعی، این نهاد می‌تواند با به‌کارگیری تدابیر حمایتی از کودک، نظارت همه‌جانبه، برهم‌زدن معادله جرم و انگیزه‌زدایی از مرتکبان جرائم سایبری، اقدام به پیشگیری وضعی نماید.

بدین ترتیب، آموزش‌ها و ارزش‌ها به‌ویژه در فضای مجازی نقش مهم دیگر مدرسه در حوزه پیشگیری از بزهکاری سایبری است، ارزش‌هایی که به دانش‌آموزان آموخته می‌شود؛ باید چنین ارزش‌ها و معادل آنها در فضای مجازی و سایبری نیز آموزش داده شود. همان‌طور که احترام به حریم خصوصی افراد ارزشی است که به دانش‌آموزان آموخته می‌شود، احترام به حریم خصوصی افراد و عدم نقض آن نیز در فضای سایبری و مجازی باید آموزش داده شود. معلمان و مدرسه باید با جدیت و حساسیت وضعیت تک‌به‌تک دانش‌آموزان را در نظر بگیرند و با بروز اولین نشانه‌های مرتبط با میل به ارتکاب جرائم سایبری، نسبت به تقویت کودک و ترمیم نواقص منجر به بزهکاری سایبری وی اقدام کنند. کنترل رفتار کودکان با نظارت بر اقدامات آنها در فضای مجازی از نقش‌های مهم کنترلی مدرسه است. کودکی مثلاً، در برنامه شاد که مورد استفاده مدارس است، به دیگران فحش می‌دهد و پیام‌های ناسزا می‌فرستد و یا حتی برخی از محتوای غیراخلاقی و غیرقانونی را مثلاً، در گروه کلاس به اشتراک می‌گذارد، نشانه‌های خطر بزهکاری سایبری در آینده را از خود بروز داده و نیازمند تدابیر پیشگیری ثانویه توسط آموزش و پرورش و مدرسه است.

پیشنهادها

نظارت و ارزیابی مستمر

- ارزیابی و تحلیل داده‌ها: راه‌اندازی سیستم‌هایی برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در مورد تهدیدات و وقوع جرائم سایبری در مدارس تا بتوان به‌طور بهینه به این مسائل واکنش نشان داد.

- ارزیابی اثربخشی برنامه‌ها: ارزیابی منظم برنامه‌های آموزشی و افزایش شیوه‌های مؤثر برای بهبود مستمر.

ایجاد محیط‌های حمایت‌گر

- فضای امن برای گفتگو: ایجاد فضای امن و بدون ترس در مدارس که دانش‌آموزان بتوانند درباره تجربیات خود در مورد جرائم سایبری گفتگو کنند و راهنمایی دریافت کنند.
- پشتیبانی روانی و اجتماعی: فراهم کردن خدمات مشاوره و پشتیبانی روانی به دانش‌آموزانی که ممکن است قربانی جرائم سایبری شده باشند.

تدوین سیاست‌های واضح و شفاف

- ایجاد سیاست‌های ضدجرم سایبری: تدوین سیاست‌های روشن و شفاف در مدارس در مورد رفتارهای غیراخلاقی آنلاین و عواقب آن برای دانش‌آموزان.
- آموزش حقوقی و قانونی: آموزش قوانین و مقررات مرتبط با جرائم سایبری به دانش‌آموزان تا از عواقب قانونی رفتارهای سایبری نادرست آگاه شوند.

منابع

- احمدپور، سمیه (۱۳۸۸). بررسی نقش آموزش در مدارس در کاهش جرائم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- بهره‌مند، حمید؛ داودی، ذوالفقار (۱۳۹۷). پیشگیری اجتماعی از جرائم امنیتی-سایبری، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۸، شماره ۱
- بهره‌مند، حمید؛ کوره‌پز، حسین محمد؛ سلیمی، احسان (۱۳۹۳). راهبردهای وضعی پیشگیری از جرایم سایبری، آموزه‌های حقوق کیفری (۱)، ۷: ۱۷۶-۱۴۷.
- جعفری، مریم؛ سلیمانی، فرزاد (۱۳۹۷). نقش پلیس در تأمین امنیت و سالم‌سازی فضای سایبر با رویکرد پیشگیری اجتماعی از جرائم سایبری، فصلنامه دانش انتظامی زنجان، (۸)، ۱۹: ۱۰۹-۸۵.
- جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۸۴). پیشگیری وضعی از جرائم سایبر در پرتو موازین حقوق بشر، مجله فقه و حقوق، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، سال دوم، شماره ۶.
- جلالی فراهانی، امیرحسین؛ باقری اصل، رضا (۱۳۸۶). پیشگیری اجتماعی از جرائم و انحرافات سایبری، مجله مجلس و پژوهش، سال چهاردهم، ش ۵۵.
- جلایی پور، حمیدرضا (۱۳۸۸). عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان، مجله تحقیقات علوم اجتماعی ایران، دوره ششم، شماره یک.
- جوان جعفری، عبدالرضا و سیدزاده ثانی، مهدی (۱۳۹۱). رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، معاونت پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، تهران، میزان.

رضوی اصل، سید محمدجعفر؛ دارابی، شهرداد (۱۳۹۶). کارکردها و دستاوردهای پیشگیرانه وضعی قوانین دادرسی الکترونیکی و آیین دادرسی جرائم رایانه‌ای، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، شماره ۴۰.

رضوی فرد، بهزاد؛ کوره پز، حسین محمد (۱۳۹۴). راهبردهای پیشگیرانه آموزشی آگاهی‌ساز: ضرورتی پیش روی برنامه‌های کنترل انحرافات سایبری، *فصلنامه کارآگاه*، دوره دوم، سال هشتم، ش ۳۲.

رضوی، محمد (۱۳۸۶). جرائم سایبری و نقش پلیس در پیشگیری از این جرائم و کشف آنها، *فصلنامه دانش انتظامی*، سال نهم، شماره ۱.

شاکری، ابوالحسن (۱۳۸۲). قوه قضائیه و پیشگیری از وقوع جرم، *مجموعه مقالات پیشگیری از جرم*.

صالحی، کریم (۱۳۹۱). پیشگیری مدرسه‌محور از بزهکاری، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران پردیس قم.

عسکریان، مصطفی (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: نشر عطایی.

محمدی، شهرام؛ بیژنی میرزا، طیبه؛ حاتمی، مهدی (۱۳۹۷). نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تاکید بر معیارهای بین‌المللی حاکم بر تعهد دولت‌ها در آموزش افراد، *فصلنامه علمی پژوهشی تدریس پژوهی*، سال ۶، شماره ۴.

نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۸). *درآمدی بر سیاست جنایی مدیترتی خطرمدار، کیفرشناسی نو جرم‌شناسی نو*، ویرایش اول. تهران: تازه‌های علوم جنایی.

- Radulović, L. M., & Krstić, S. M. (2018). *The role of teachers and school professional teams in prevention of digital violence*. Facta Universitatis, Series: Teaching, Learning and Teacher Education, 1(2), 161-172.
- Ngo, F. T., Deryol, R., Turnbull, B., & Drobisz, J. (2024). The Need for a Cybersecurity Education Program for Internet Users with Limited English Proficiency: Results from a Pilot Study. *International Journal of Cybersecurity Intelligence & Cybercrime*, 7(1), 2-29
- Ko, Y., Lee, S., & Kim, S. B. (2013). Development and Analysis of an Information Security Learning Method using Situation-based Problems. *International Journal of Security and Its Applications*, 7(5), 425-434
- Eden, C. A., Chisom, O. N., & Adeniyi, I. S. (2024). Promoting digital literacy and social equity in education: lessons from successful initiatives. *International Journal of Management & Entrepreneurship Research*, 6(3), 687-696.
- Eden, C. A., Chisom, O. N., & Adeniyi, I. S. (2024). Online learning and community engagement: Strategies for promoting inclusivity and collaboration in education. *World Journal of Advanced Research and Reviews*, 21(3), 232-239.
- Lwin, M. O., Stanaland, A. J., & Miyazaki, A. D. (2008). Protecting children's privacy online: How parental mediation strategies affect website safeguard effectiveness. *Journal of retailing*, 84(2), 205-217.